

## نان به نرخ روز می خورم، پس هستم!

آبشار

پس از درگذشت مهسا امینی و جریحه دار شدن احساسات جامعه ایران، تعداد قابل توجهی از اهالی هنر و بازیگری و فیلمسازی ایران نیز در این باره موضع گیری کردند؛ موضع گیری هایی که برخی از آنها یک سوپیه و تند بود و بعضی هم تلاش می کردند ضمن ابراز اندوه بابت فوت خانم امینی و طرح برخی انتقاداتشان، هیزمی روی آتش نریزند و مسأله ایران را درون ایران و با مرزبندی با بدخواهان پیش ببرند. به هر حال راجع به هر کدام از این موضع گیری ها می توان داری کرد و نظر داد؛ لزوماً همه موضع گیری ها درست نبود، اما از بین همه آنها که حتی غلط هم موضع گرفتند، همه نیت یکسانی نداشتند و نباید ساده انگارانه و بسیط، همه را به یک شکل تفسیر کرد. همچنین جوانانی هم بودند که برخی با تحلیل و تفسیر خود و بعضی هم بر اساس حس و تفسیری که از چهره ها دریافت می کردند، معترض شدند. برخی هم به خیابان آمدند که یکسان دیدن همه آنها هم قاعدتاً راه درستی نیست؛ حتی برای آنها که در سخن رادیکال شدند، و تحلیل نادرستان و حتی غلیبان احساساتشان برمی آمد و تا جایی که یک بحث و جدل درونی و میان ایرانیان و با این اصلاح امور ایران است، امری قابل درک است؛ می توان سخنشان و موضعشان را نقد کرد، اما متهم کردن و راندن شان و تلاش برای قطبی سازی حتماً امری معقول و منطقی نیست. با این حال، ظاهرها برخی هر چند اندک در این میان، ریاکارانه با همه این ماجراها فقط تجارت می کردند. احسان کرمی با اقدام خود در پیوستن به شبکه سلطنت طلبان من وتو از این جنس است. امثال احسان کرمی بسیار کم اند، اما همین ها با این ظاهر سازی که «ما که رادیکال تریم پس برای ایران دلسوزتریم» دیگر هنرمندان را حتی به محافظه کاری و عاقبت طلبی متهم می کردند. آنها به دیگر هنرمندان و جوانان القا وانمود می کردند که اگر به کمتر از جنگ خیابانی ایرانی با ایرانی راضی باشند، پس منمهند که از قافله ملت عقبند! بر همین اساس همدستان آنها به بسیاری از هنرمندان، حتی آنها که منتقدانه، اما دلسوزانه و آرام تر موضع گرفته بودند، می تاختند. این ماجرا نشان داد اکثریت هنرمندان، حتی آنها که موضع منتقدانه نسبت به برخی امور در کشور دارند اما دلبسته وطن هستند، مظلومند؛ اما احسان کرمی و افرادی مانند او که کاسپی، روزمه سازی و منفعت خود در دنبال می کنند و با سلطنت طلبان می نشینند و در عین حال دیگران را به عدم پیگیری آزادی متهم می کنند، تا چه اندازه می توانند فرصت طلب باشند و از منافع ملی برای منافع شخصی خود نردبان بسازند و از آن بالا بروند.



## یک وب سایت فرانسوی از مداخلات پنهان انگلیس برای تغییر در نظام های سیاسی پرده برداشت نسخه های مشابه برای اغتشاشگران

رامضیه خویی  
 روزنامه نگار

سایت تحلیلی solidarite et progres با استناد به آخرین اطلاعات منتشر شده (سند ۶۷ صفحه ای) از سوی مرکز تحقیقاتی لاروش، با انتشار مقاله ای تحت عنوان «جنگ جهانی سبز بریتانیا را متوقف کنید» به بررسی وقایع اخیر و حوادث عجیب در قزاقستان پرداخت؛ عنوانی کنایه ای که درک آن برای شهروندان و همه ملت ها ضروری است. آنچه که فردیش شیلر آن را «میهن پرست ملت خود و شهروند جهان» می خواند و در حقیقت به این معنا است که تمام جهان، وطن انگلیسی ها است!

سایت لاروش در این زمینه نوشت: تحرکات علیه روسیه به دلیل عملیات نظامی در اوکراین، تنها با هدف کور کردن چشم جهانیان از جنگی واقعی در مقیاس کره زمین، علیه کل جمعیت بشریت است. پس از انفجار سیستم مالی انگلیس در سال ۲۰۰۸، سلطنت بریتانیا برای حفظ قدرت خود، در حال حرکت به سوی اجرای سیاست «بازتنظیم بزرگ» است؛ به این مفهوم که کاهش گسترده جمعیت زمین از طریق تحمیل سیاست های پشت پرده (معامله جدید سبز) رقم می خورد. آنچه که توسط الگاریشی مالی متمرکز در شهر لندن اجرا می شود؛ با تحمیل سیاست مخوف «بازتنظیم بزرگ». بریتانیا در خطر وقوع جنگ قرار دارد، آنقدر که می تواند سرعت به جنگی هسته ای منجر شود، با توجه به اینکه اهداف آن شامل چین و روسیه است.

این یک پیشگویی نیست؛ چرا که کارشناسان لاروش، شیوه الگاریشی را که تحلیل ها بر آن استوار است، بخوبی درک می کنند. «معامله جدید سبز»، همان طور که شاهزاده چارلز (جانشین ملکه) در سخنرانی خود در (اجلاس زمین) شهر یورماه سال ۱۹۹۲ توصیف کرد، این هیچ ارتباطی با حفظ محیط زیست ندارد و همه مسائل به سلطه جهانی و توقف توسعه انسانی باز می گردد. اما ارتباط این موضوع با قزاقستان چیست؟

■ **به نام محیط زیست؛ به کام انقلاب!**  
 اینکه چرا قزاقستان در این جنگ حاضر اهمیت است، باید به وضعیت جغرافیایی و ثروت های انبوه آن رجوع کرد؛ کشوری که از نظر پهناوری و مساحت در جایگاه نهم جهان قرار گرفته است، طوری که با روسیه ۷۶۵۰ و با چین ۱۷۵۰ کیلومتر مرز مشترک دارد. سرزمینی با ذخایر عظیم نفت و مواد خام با دارایی های مهم برای حال و آینده انرژی هسته ای و حاوی بزرگ ترین ذخایر اورانیوم در سطح کره زمین. قزاقستان در سال ۲۰۲۰، به لطف معادن زرمین، به

جایگاه بزرگ ترین تولیدکننده ارتقا یافت و به ۴۱ درصد از تولید جهانی (حدود ۲۰ هزار تن!) نائل آمد. به لحاظ تاریخی این کشور جزئی از جاده ابریشم و پیونددهنده اصلی چین و اروپا بوده و امروزه همچنان به ایفای نقش اساسی خود در طرح ابتکاری چین با عنوان «یک کمربند، یک جاده» تداوم بخشیده است. با مشاهده چنین شرایطی درمی یابیم که قزاقستان از نقطه نظر ژئوپلیتیک، در بازی پیچیده بریتانیا، هدفی اصلی به شمار می آید. برای درک موضوع، بهتر است وقایع میدان اوکراین را با آنچه که در اوایل سال جاری در قزاقستان رخ داد، مقایسه کنیم. روز ۲ ژانویه، تظاهراتی در قزاقستان بهانه حفظ کنترل قیمت های گاز آغاز شد. در میان مطالبات برخی از گروه های معترض، درخواست هایی مبنی بر «قطع تمامی اتحادها با روسیه» و «ترک اتحادیه اقتصادی اوراسیا» به چشم می خورد.

در ۵ ژانویه ۲۰۲۲، با اینکه قاسم ژومارت توکایف رئیس جمهور، طرح کنترل قیمت ها را که عامل اصلی اعتراضات بود، ابرامان کرد. همچنین نظریات، رئیس جمهور سابق، (از سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۹) را از سمت ریاست شورای امنیت برکنار کرد، ناگهان طغیان حرکت های خشونت آمیز این کشور را فرا گرفت. سیاست های پشت پرده (معامله جدید سبز) رقم می خورد. آنچه که توسط الگاریشی مالی متمرکز در شهر لندن اجرا می شود؛ با تحمیل سیاست مخوف «بازتنظیم بزرگ». بریتانیا در خطر وقوع جنگ قرار دارد، آنقدر که می تواند سرعت به جنگی هسته ای منجر شود، با توجه به اینکه اهداف آن شامل چین و روسیه است.

این یک پیشگویی نیست؛ چرا که کارشناسان لاروش، شیوه الگاریشی را که تحلیل ها بر آن استوار است، بخوبی درک می کنند. «معامله جدید سبز»، همان طور که شاهزاده چارلز (جانشین ملکه) در سخنرانی خود در (اجلاس زمین) شهر یورماه سال ۱۹۹۲ توصیف کرد، این هیچ ارتباطی با حفظ محیط زیست ندارد و همه مسائل به سلطه جهانی و توقف توسعه انسانی باز می گردد. اما ارتباط این موضوع با قزاقستان چیست؟

■ **به نام محیط زیست؛ به کام انقلاب!**  
 اینکه چرا قزاقستان در این جنگ حاضر اهمیت است، باید به وضعیت جغرافیایی و ثروت های انبوه آن رجوع کرد؛ کشوری که از نظر پهناوری و مساحت در جایگاه نهم جهان قرار گرفته است، طوری که با روسیه ۷۶۵۰ و با چین ۱۷۵۰ کیلومتر مرز مشترک دارد. سرزمینی با ذخایر عظیم نفت و مواد خام با دارایی های مهم برای حال و آینده انرژی هسته ای و حاوی بزرگ ترین ذخایر اورانیوم در سطح کره زمین. قزاقستان در سال ۲۰۲۰، به لطف معادن زرمین، به

به پلیس و آتش نشانان حمله کردند و آنها را با بی رحمی و نفرت مورد ضرب و شتم قرار دادند، حتی دو آتش نشان را سر بریدند... نبردهای واقعی در آلمانی و شهرهای دیگر درگرفت. در آلمانی، معترضان پاسخ داد، اما به جای بازگشت آرامش، تظاهرات های خشونت آمیز با قدرت و شدت بیشتر ادامه یافت.

توکایف به مدت دو هفته در آلمانی، بزرگ ترین شهر آسیای مرکزی، همچنین در استان مانگیستو وضعیت فوق العاده وضع کرد. عجیب آنکه دولت اگرچه به اکثریت مطالبات اقتصادی و سیاسی معترضان پاسخ داد، اما به جای بازگشت آرامش، تظاهرات های خشونت آمیز با قدرت و شدت بیشتر ادامه یافت.

توکایف سپس از پوتین، رئیس جمهور روسیه درخواست کمک کرد تا نیروهای حافظ صلح سازمان پیمان امنیت جمعی به قزاقستان اعزام شوند. در نهایت خطاب به ملت خود اعلام کرد که از این پس نیروهای امنیتی و پلیس در استفاده از سلاح گوتاهی نخواهند کرد. وی روز ۱۰ ژانویه در سخنرانی خود تأکید کرد: «در پوشش اعتراضات خودجوش، موجی از شورش های دسته جمعی به راه افتاد که افراط گرایان مذهبی، عناصر جنایتکار، زندان بدنام، غارتگران و تبهکاران خرد با هم وارد صحنه شدند، گویی قرار است از دستوری واحد پیروی کنند. مطالبات اجتماعی-اقتصادی، عمومی و سیاسی کمرنگ و بلافاصله فراموشی سپرده شد. سپس مرحله ای داغ دنبال شد؛ گروهک های مسلح که منتظر فرصت برای آغاز عملیات خود بودند، وارد عمل شدند. هدف اصلی آنها هویدا شد: نابود کردن نظام مشروع و قانونی، فروپاشی نهادهای حاکم و دولت؛ در نهایت نیز در اختیار گرفتن قدرت. آشکارا این یک کودتا بود.»

با کنار هم چیدن همه این وقایع و با نگاهی عمیق نسبت به رویدادها از

ابتدای سال ۲۰۲۲، به طور منطقی می توان نتیجه گیری کرد که همه آنها از طریق یک شبکه به هم مرتبط بوده اند و طرح ها از مدت ها قبل برای اجرای سناریویی مخرب برنامه ریزی و هماهنگ شده بود. تحقیقات نشان خواهد داد از چه مدت؛ یک، دو یا سه سال... این حملات توسط افراد حرفه ای آموزش دیده سازماندهی شده بود، به عنوان مثال تک تیراندازان مسلح به تفنگ های مخصوص. تروریست ها همچنین از وسایل ارتباطی خاص خود استفاده می کردند و لباس نظامیان و نیروهای انتظامی بدلی بر تن کرده بودند... تبهکاران پنج برابر بیشتر

نیروهای حافظ صلح خود را در قزاقستان مستقر کرد تا این عملیات تروریستی را قبل از اینکه شدت یابد، خنثی کند. آنها نه تنها از سوخت، انرژی هسته ای، تأسیسات نظامی و هوافضا محافظت کردند، بلکه از تشکیل دولتی شبه تروریستی مشابه دولت اسلامی (داعش) در قزاقستان جلوگیری کردند.

ویکتور مورخوفسکی، کارشناس نظامی روسی، طی سخنرانی در ایژوستیا گفته بود: «بسیاری از تروریست های اسلامگرا در قزاقستان تجربیات خود را در عراق، سوریه و افغانستان کسب کرده بودند.» جای تعجب نیست که در ۷ ژانویه، آنتونی بلینکن وزیر خارجه ایالات متحده، در واکنش به این ماجراها چنین استدلال کرد: برای قزاقستان کاهش نفوذ روسیه، پس از فراخواندن نیروهای روس برای نجات، بسیار دشوار خواهد بود. او حتی با وقاحت گفت: «در سری از تاریخ معاصر: وقتی روس ها در خانه شما هستند، گاهی اوقات بسیار سخت است که آنها را ترک کنید.»

این در حالی است که پس از حفظ موفقیت آمیز حاکمیت قانونی قزاقستان، نیروهای CSTO در ۱۹ ژانویه، تنها ۱۴ روز پس از درخواست کمک توسط رئیس جمهور توکایف، به طور کامل از این کشور خارج شدند.

■ **تجویز نسخه های مشابه برای اغتشاشگران!**  
 در این میان شاید مروری بر رویدادهای تلخ و اغتشاشات اخیر در کشورمان بی شباهت به حال و روز قزاقستان در آن ایام نباشد. همان طور که در بیانیه اخیر وزارت اطلاعات پیرامون این حوادث شاهد نکاتی مهم درباره برنامه ریزی های پیچیده و طولانی مدت استعمارگران و

دشمنان سرسخت ملت ایران برای به نتیجه رساندن پروژه آشوب و اغتشاش بودیم. از جمله: دستگیری ۹ تبعه بیگانه، ۷۷ نفر از عوامل گروهک های معاند، ۳ نفر از سران بهائیت، ۹۲ نفر از وابستگان رژیم پهلوی، ۲۸ نفر از آوباش، ۵ عضو گروهک های تکفیری و تروریستی و ۴۹ نفر از مرتبطین با گروهک منافقین؛ آنچه که حکایت از همگرایی و همدستی کامل دشمنان برای دستیابی به هدفی مشترک دارد.

در ماجرای آشوب های اخیر که از انتقادات مردمی به مرگ بانویی جوان در یکی از مراکز انتظامی آغاز شد، دشمنان از طریق فضای مجازی، شبکه های اجتماعی و کانال های فارسی زبان معاند، شروع به بهره برداری حداکثری از این حادثه کردند؛ جایی که اعتراضات به خشونت، آتش زدن، تخریب اموال عمومی و در نهایت کشته سازی و اعمال تروریستی تبدیل شد. این در حالی بود که در همان روزهای نخست، دستگاه های مسئول و در رأس آنها آیت الله رئیسی، رئیس جمهور به عنوان رئیس شورای عالی امنیت ملی و مسئول اجرای قانون اساسی دستور پیگیری قانونی موضوع را به وزارت کشور داده بود؛ همچنین سایر قوا به منظور رفع شبهات و ابهامات وارد میدان شدند تا تبعات واقعه را برای خانواده مرحومه و مردم شفاف سازند.

از نکات تکان دهنده در بیانیه وزارت اطلاعات، دستگیری ۵ عضو گروهک های تکفیری. تروریستی همراه با ۳۶ کیلوگرم مواد منفجره بود؛ تروریست هایی که قرار بود با هدف تشدید نزاع و درگیری از فرصت اغتشاشات سوءاستفاده کرده و با بمب گذاری در تجمعات مردمی و در جمع آشوبگران و انتساب آن به طرف های مقابل، آتش درگیری ها را شعله ور کنند.



دموکرات ها تمایز قائل می شود و به دنبال این است که با تحت فشار قرار دادن از طریق مسأله نفت انتخابات پیش روی کنگره را جمهوری خواهان برنده شوند تا ضمن فشار بیشتر به ایران، به استقبال پروژه ۲۰۳۰ خود (طرح اقتصادی عربستان) بروند.

از سوی دیگر روابط بن سلمان و جو بایدن در وضعیت مناسبی قرار ندارد و در اجلاسیه اخیر جده از بایدن استقبال مناسبی صورت نگرفت. همچنین عربستان

ایالات متحده و شرکای اروپایی این کشور بود. از سویی دیگر عربستان می خواهد گسترده گی روابط روسی ها با ایران را تعدیل و به عنوان شریکی مطمئن برای روس ها خود را مطرح کند. هم اکنون سعودی ها سرمایه گذاری های هنگفتی در بخش انرژی و زیرساخت های روسیه انجام دادند و به دنبال قراردادهای بلندمدت با روس ها هستند.

■ **روابط با ایالات متحده**  
 عربستان بین جمهوری خواهان و

«وینگ لونگ-۲» که از چین خریداری کرده، در پایگاه هوایی «ملک خالد» رونمایی کرد. ■ **روابط با روسیه**  
 اگر این جمله گفته شود که عربستان به دنبال شکست روسیه در جنگ اوکراین نیست، جمله گزافی نخواهد بود. با آغاز بحران اوکراین، عربستان نه تنها تولید نفت خود را افزایش نداد بلکه در جلسه اخیر اوپک پلاس، اعضا کاهش تولید نفت دو میلیون بشکه ای را تصویب کردند که در این وضعیت بحران انرژی، ضربه کاری به

AP

انقلاب رنگی ناتمام قزاقستان

از نکات تکان دهنده در بیانیه وزارت اطلاعات، دستگیری ۵ عضو گروهک های تکفیری. تروریستی همراه با ۳۶ کیلوگرم مواد منفجره بود؛ تروریست هایی که قرار بود با هدف تشدید نزاع و درگیری از فرصت اغتشاشات سوءاستفاده کرده و با بمب گذاری در تجمعات مردمی و در جمع آشوبگران و انتساب آن به طرف های مقابل، آتش درگیری ها را شعله ور کنند.

از موضع دموکرات ها در مورد قتل جمال خاشقچی و انتشار اسناد ۱۱ سپتامبر ناراحت است.

■ **روابط با ایران**  
 ایران و عربستان در رقابت و تضاد منطقه ای قرار گرفته اند و با وجود ۴ دور مذاکرات در بغداد اما عربستان هیچ گاه نمی خواهد ایران تبدیل به قدرت بزرگ منطقه ای شود و یکی از عوامل اصلی روابط با ایالات متحده در حال حاضر ایران است. از سوی دیگر عربستان از تمام ابزارهای خود برای کاهش قدرت ایران و همچنین ایجاد آشوب در ایران استفاده می کند، امری که در آشوب های اخیر آن می توان ردیای سعودی ها را بخصوص در حوزه رسانه ای و مالی (حمایت از آشوب طلبان) مشاهده کرد.

■ **سخن پایانی**  
 نظام بین الملل به سرعت در حال تغییر و دگرگونی است و موضوع قدرت و امنیت ملی و حرکت به سمت منافع ملی، بار دیگر خود را به عنوان فاکتورهای اصلی برای یک کشور مطرح کرده اند. عربستان پروژه ۲۰۳۰ خود (طرح اقتصادی عربستان) به دنبال توافق ایالات متحده با ایران بر سر مسأله هسته ای است و از سوی دیگر به دنبال روابط گسترده با چین و روسیه، اما همچنان ایالات متحده شریک استراتژی عربستان خواهد بود.